

رادیو؛

رسانه رویا پرداز



● **یدالله گودرزی**
سرمدیبر شبکه جوان

دسترس‌ترین رسانه‌ها ظهور کرده و توانست در خلال رسانه‌های دیگر پشت‌تازی کند. این رسانه هم مثل سایر پدیده‌های دنیای مدرن به جامعه تقریباً سنتی ما هجوم آورده و سبب توجه و عنایت خواص و عوام به آن شد. برخورد ما در مقابل این پدیده نیز کنش‌پذیرانه و متفعلانه بود. رادیو آمد

فراگیری آنها وسیع‌تر باشد. مطلوب‌تر است. در ادامه چنین نیازی بود که مطبوعات و رادیو تلویزیون و دیگر رسانه‌ها در ادامه هم ظهور کردند که البته محل بحث ما رادیوست. رادیو به‌عنوان یکی از سریع‌ترین و در

نیازهای غیرقابل اجتناب دنیای مدرن و عصر مدرنیته، نیاز به رسانه‌های ارتباط-جمعی عمومی است؛ رسانه‌هایی که بتوانند با آحاد یک جامعه ارتباط داشته باشند و حوزه فراگیری آنها تا حد امکان گسترده‌ترین باشد. طبعاً هر قدر محیط

همراه با برنامه‌ها و آنتیم‌هاش. اگر فی‌المثل آنها موسیقی کلاسیک داشتند، در رادیوی ما هم موسیقی کلاسیک پخش می‌شد، بدون توجه به تفاوت‌های دولت و دو جامعه. از طرفی، رادیو از جانب مردم با اقبال فراگیر مواجه شد. به نظر نگارنده اقبال فراگیر مردم نسبت به این پدیده ابتدا بیشتر ناشی از اعجاب و حیرت ایشان بود. آنها از این که از جعبه‌ای کلاهی صداهای مختلف و متفاوت می‌شنیدند، شگفت‌زده می‌شدند.

بر این قضایا این نکته را بیفزایید که مردم جامعه ما، مردم شنیدارگرا هستند؛ ایشان به دلایل متعدد کمتر به فرهنگ مکتوب عنایت داشتند؛ در طول سال‌های طولانی، فرهنگ شنیداری در وجود آنها نهادینه شده بود و رادیو هم وسیله‌ای شنیداری محسوب می‌شد. طبعاً رادیو اعجاب آفرید و حضور خود را بر جامعه ما تحمیل کرد. این رسانه شنیداری، فرهنگ‌سازی و الگوبرداری خود را هم به-همراه آورد. بنابراین باید گفت که شناخت ما از رادیو، شناختی مطابق با واقعیت نبود بلکه ناشی از حیرت و انفعال بود. سال‌ها طول کشید تا برنامه‌سازی پدید

شد. رادیو به سمت تخصصی شدن گام برداشت. سهولت در به راه‌اندازی رادیوهای جدید و بهره‌وری از فناوری کم-هزینه، سبب ظهور رادیوهای محلی و

است. رادیوهای متنوع موسیقی‌های مختلف، رادیوهای علمی، رادیوی کودکان و خلاصه انواع و اقسام رادیوهای متنوع به ارضای نیازهای مخاطبان جهانی خود

مردم جامعه ما، مردمی شنیدارگرا هستند و به دلایل متعدد کمتر به فرهنگ مکتوب عنایت دارند. به همین دلیل رادیو اعجاب آفرید و وجود خود را در جامعه نهادینه کرد.

می‌پردازند. اکنون تعریف مخاطب هم از حالت سنتی خود خارج شده است. دیگر مخاطب محدود در رمزها و محدوده‌ها نیست؛ می‌توان مخاطب خویش را در هر جایی که انسان می‌زید جستجو کرد.

رادیوهای موسیقی، مثل Rclassic Rock، Jazz Day، Musicam، و Rclassic Rock، رادیوهای کارتی ۵-Musicam، پخش موسیقی‌های خاص خود مشغولند و مثلاً Jazz Radio تنها موسیقی «جاز» پخش می‌کند، ته موسیقی کلاسیک یا راک ... یا رادیوهای Family Radio، Party Radio Baby تنها برنامه‌های ویژه خود را پخش می‌کنند، نه آن‌که شله‌لملمکاری از برنامه‌های مختلف باشند.

رادیو در کشور ما در یکی از ابتدایی‌ترین اصول رسانه پلزمونده است. هنوز این رسانه در مورد «ارتباط» - که پل بین مخاطب و رسانه است - دچار مشکل است؛ ارتباطی که مبتنی بر «عملی» و «مهراس» یا مخاطب است. اگر این ارتباط «عملی» و «مهراس» پدید نیفتد، پخش اعظم کار رادیوی ما انجام شده است. صد البته مباحث بعدی هم به قدر خود مهم و ممتاز هستند.

به نظر می‌رسد که اغلب مسئولان و برنامه‌سازان رادیو، «دردها» را دریافته‌اند و همه به دنبال راه‌ها و کارهای تازه برای خروج رادیو از رکود و مهیاساختن حضوری دوباره برای این رسانه هستند، اما

رادیوهای خاص و بالاخره رادیوهای متنوعی شد که به انحاء مختلف قلیل شنیدن هستند؛ حتی از طریق اینترنت و ماهواره.

شاید باورکردنی نباشد، اما هم اکنون رادیوهای وجود دارد که برای شنیدن آنها باید پول پرداخت و فی‌المثل با کارت‌های اعتباری می‌توان به آنها گوش فراداد. این موضوع در حالی است که انواع و اقسام سرگرمی‌های شنیداری و شنیداری یا کمترین هزینه در دسترس است، به-

به نظر می‌رسد اغلب مسئولان و برنامه‌سازان رادیو، «دردها» را دریافته‌اند و به دنبال راه‌ها و کارهای تازه برای خروج رادیو از رکود و مهیاساختن حضوری دوباره برای این رسانه هستند.

شهرستان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آمدند و افرادی پیدا شدند که برنامه‌های اینترنتی برای این رسانه ساختند و از تقلید صرف اندک اندک فاصله گرفتند. با حضور و هجوم نوازپویان، رادیو عقب‌نشینی خود را آغاز کرد و اسباب حیرت مردم، وسایل دیگری شد. با حضور رسانه‌های تازه و نو به نو کارکردهای رادیو محدودتر و طبعاً خاص‌تر

به نظر می‌رسد عوامل متعددی به عنوان مانع وجود دارند که تا آنها حل و رفع نشوند شاید نتوان امیدي به دگرگونی بست.

یکی از مشکلات ما نگاه سنتی و نوسناریک به رادیو است. برخی گمان می‌کنند که اگر ما حال و هوای قدیمی رادیو را دوباره احیا کنیم و در پی بازآفرینی گذشته باشیم، می‌توانیم دوباره موفقیتی بیابیم و به جاهای ابدی آن در جامعه دست یازیم.

از آنجاکه ما ایرانی‌ها کمی بیشتر از یک مقدار! دچار سهل‌انگاری و تنبلی هستیم، سعی به بازتولید مدل‌ها و الگوهای قدیمی داریم و می‌گوئیم اگر در گذشته موفقیتی بوده - که باید اثبات شود - آن را تکرار کنیم و لذا از خطر کردن می‌پرهیزیم.

تأثیر این نگاه را می‌توان هم اکنون در برنامه‌های رادیویی به چشم دید. شباهت شبکه‌های مختلف رادیویی به همدیگر، ریشه در همین نگاه بدوی و سنتی دارد و تازه برخی در پی آنند که بیش از پیش، گذشته این رسانه را بازتولید کنند؛ در حالی که زمانه دیگر شده است و شیوه‌های قدیمی دیگر به کار نمی‌آیند. باید

چشم به فرود داشت و بنیادهای گذشته را فروریخت و بنیادهای تازه را بی‌نیاز از آن کار اندیشه، ریاضت و خلاقیت است. در این مجال بر آنیم تا به اجمال به بررسی مشکلات رادیو - که همان مشکلات برنامه‌سازان و مسئولان آنهاست - بپردازیم. صد البته این نکات، مواردی است که به ذهن صاحب این قلم رسیده است. امیدواریم اکنون که حرکت‌هایی در زمینه انتشار مسائل رسانه رادیو انجام شده و می‌شود این حرف‌های مکتوب به کار بیاید. اتفاقا یکی از کمبودهای رادیو نداشتن تاریخ مکتوب و

نیوند کتاب‌ها و مجلاتی درباره مسائل متنوع آن در گذشته است که یکی از واضح‌ترین نتایج منفی آن، انتقال نیافتن



مشکلات رادیو، رعایت نکردن اصول حرفه‌ای است. بسیاری از عوامل برنامه‌سازی براساس مناسبات و

اصول غیرحرفه‌ای انتخاب می‌شوند؛ حتی برخی از مسئولان از این امر مستثنا نیستند و انتخاب آنها غیرحرفه‌ای است؛ علاوه بر این، یک برنامه‌ساز حرفه‌ای با کارش به صورت حرفه‌ای برخورد نمی‌کند. زیرا عوامل متعددی از جمله مضایق اقتصادی، احساس عدم توجه، و... سبب شده‌اند او حساسیت خود را از دست بدهد و کارش را جدی نگیرد. البته این پل‌های است که در بسیاری از سطوح کشور دیده می‌شود و مشکلات جدی در راه پیشرفت و توسعه و حل امور پدید آورده است.

نگاه کارگامی به رادیو؛ یکی از عوامل جدی نگرش کار در رادیو، ریشه در نگاه برخی از مدیران دارد که به نظر ایشان رادیو کارگاه آموزش نیرو است. آنها به رادیو به منزله کارگاه طرح‌کاد می‌نگرند که وظیفه دارد برای تلویزیون نیرو تربیت کند؛ برخی از این نیروها توفیق می‌یابند که به تلویزیون مهاجرت کنند و ارتقا

یابند و بعضی همچنان در طرح‌کاد می‌مانند. گاهی به تهیه‌کنندگان و برنامه‌سازان تلویزیون و مدیران این رسانه ثابت می‌کند که حدود هفتاد درصد از عوامل، از رادیو به آنجا مهاجرت کرده‌اند!

ساخت برنامه برای رضایت مدیران؛ برخی از برنامه‌سازان بیشتر به رضایت مسئولان می‌اندیشند تا رضایت مخاطب؛ نتیجه آن خواهد بود که شنونده از چنین برنامه‌ای رویگردان شود. بسیاری از برنامه‌سازان رادیو می‌گویند تا برنامه‌ای بسازند که به جای و کسی برنخورد و

برخی برنامه‌سازان برای همه انسان‌ها برنامه می‌سازند و گستره مخاطبانشان به عدد

انسان هاست. نتیجه چنین امری، ساخت برنامه‌ای بدون شنونده است.

تجربه‌های گذشته به امروز و فرداست و نتیجه آن شده که تجربه‌های دیروزی، امروز نیز بارها تکرار شوند. بعضی از مشکلات مذکور عبارتند از: رعایت نکردن اصول حرفه‌ای در زمینه‌های مختلف، مناسفانه یکی از

رتال جامع علوم انسانی

برایشان مشکلی پیش نیاید و ناآشنان آجر نشود! بخش زیادی از این مسئله طبیعی است، زیرا باید برنامه‌ساز احساس امنیت شغلی و اقتصادی و... داشته باشد تا به دام خودسانسوری و خلتی سازی نیفتد.

نامعلوم بودن مخاطبان یک برنامه،

برخی برنامه‌سازان برای همه انسان‌ها برنامه می‌سازند و گستره مخاطبانشان به- عدد انسان‌هاست. نتیجه چنین امری، ساخت برنامه‌ای بدون شنونده است. هر برنامه باید مخاطبان خاص خودش را داشته باشد تا بتواند با آنها ارتباط برقرار کند.

توجه نکردن به تخصص افراد، همان-

گونه که بیشتر گفتیم انتخاب نیروهای حرفه‌ای، اصل مهمی است که رعایت نمی‌شود! این امر در رسانه بسیار مهم است. رسانه احتیاج به افرادی دارد که متسلع و همزمان دارای چند تخصص باشند. این امر سبب بالا رفتن کیفیت کار با حداقل نیروی انسانی می‌شود. یکی از عوامل موفقیت شبکه خبری مثل الجزیره رعایت همین امر است؛ فی‌المثل یک گوینده هم

جای نویسندگان خلاق و حرفه‌ای را اشغال کرده‌اند! همین‌طور در قسمت‌های دیگر، این درحالی است که نویسندگان و شاعران و هنرمندان بسیار خوبی در رادیو

با توجه به معقول شدن این مقال، مشکلات دیگری به‌صورت اشاره‌وار در پی می‌آید. توجه نکردن به فلسفه وجودی برنامه

یکی از مشکلات ما نگاه سنتی و نوستالژیک به رادیو است.

برخی گمان می‌کنند اگر ما حال و هوای قدیمی رادیو را

دوباره احیا کنیم و در پی بازآفرینی گذشته باشیم، می‌توانیم

دوباره توفیق بیابیم و به جایگاه ایده‌آل در جامعه دست یابیم.

زندہ

روزمرگی برخی از تهیه‌کنندگان پرحرفی در رادیو و تمارضات کلاه‌کننده

عقب افتادن رادیو از وقایع و حوادث

روز و بازتاب ندادن به موقع آنها

تلاش اندک برای یافتن قالب‌های

تازه و حرف‌های جدید

مغفلاته بودن برخی برنامه‌ها

اهتمام کم به موسیقی‌های تازه و عدم

شناخت ذائقه مخاطب و...

و به‌همه اینها بیفزایید مشکلات

اقتصادی برنامه‌سازان، مشکلات خواندن

شعر و متن توسط گویندگان و...

امیدواریم که این چند و چون بتواند

فصلی در نقد برنامه‌های رادیویی بگشاید و

به‌صورت جزئی‌تر و عینی‌تر وارد مقوله نقد

رسانه شویم تا ان‌شاءالله، مفیدتر افتد. صد

البته این مطالب، ناسی تلاش‌ها و

کوشش‌های برنامه‌سازان بی‌ادعا و قانع

رادیو نیست؛ آنهاکه علی‌رغم همه

مشکلات، همچنان برنامه‌های خوبی هم

می‌سازند که اتفاقاً پرشنونده هم هستند.

امیدواریم بسامد این برنامه‌ها روزافزون

باشد. ان‌شاءالله...



وجود دارند که دارای نام و شأن در سطح کشور هستند، ولی آن‌چنان که باید و شاید از وجود آنها استفاده نمی‌شود. مسئولان و اندیشه‌وران رادیو باید درباره این مسئله تأمل کنند که چرا در طول این سال‌ها نویسندگانی حرفه‌ای و صاحب‌نام در رادیو ظهور نکرده‌اند؟ یا توجه به اینکه بخش قابل توجهی از برنامه‌های منگی به متن و

مسئولان و اندیشه‌وران رادیو باید درباره این مسئله تأمل

کنند که چرا در طول این سال‌ها نویسندگانی حرفه‌ای و

صاحب نام در رادیو ظهور نکرده‌اند؟!

تکست است!

البته نویسندگان و شاعرانی که ذکر عزیزشان شد قبلاً دارای نام و نشان بوده‌اند و بعد وارد رادیو شده‌اند، اما خود رادیو از معرفی نویسندگان و آذینان خود ناآوان مانده است!

عدم تصمیم‌گیری واحد در

برنامه‌سازی، این هم یکی از مشکلات

دیگر است که یک فرد در ساخت برنامه

تصمیم‌گیرنده نیست و از این‌رو احساس

تعلق به برنامه کم است و طبعاً احساس

مسئولیت نیست به آن.

کارشناس است. هم نویسندگی می‌داند و هم می‌تواند تصویربرداری کند و... این چندوجهی بودن سبب می‌شود تا یک برنامه توسط اندیشه واحدی ساخته شود و حرفه‌ای بودن برنامه ساز آشکار شود.

یکی از بی‌دروپیکرترین حرفه‌ها در رادیو نویسندگی است. نویسندگی یکی از دشوارترین کارها و هنرهاست، اما در رادیو مناسبانه یکی از سهل‌ترین کارها هم اکنون در تحریریه‌های بخش شبکه‌های مختلف اقرا بسیاری قلم می‌زنند که حتی از نوشتن یک انشاء ساده ناآشنا، ولی با کمال تألیف